

متن پرسش

سلام بر استاد طاهرزاده: جناب آقای یوسفی در کتاب منطق متابعدی بینهایت در ص ۱۸ اصل استحاله اجتماع نقیضین را ظاهراً نفی می کنند و در ایمیلی که کردم فرمودند: من با ضرورت و مطلقیت و جبر علم و منطق، مشکل دارم و حتی اگر همیشه دریند این دستگاه اجباری هم باقی بمانم باز هم نمی توانم این قطعیت را قبول کنم. این قطعیت و مطلقیت به این خاطر است که ما فقط بر سطحی کم بعدی از هستی زندگی می کنیم و شناخت داریم و باید فراتر برویم. با جهش و در امتداد متابعدها می توان چنین کرد. هنوز روشی علمی برای طراحی چنین جهش هایی ندارم اما می دانم علم آینده ناگزیر از افتادن در این جاده است. نظر شما را در مورد این کتاب و بخصوص اینکه آیا با منطق متابعدی این امکان است که ام القضا یا را رد نمود خواستارم لینک دانلود کتاب

<http://ketabnak.com/book/۲۸۰۶۱/%D۹%۸۵%D۹%۸۶%D۸%BY%D۹%۸۲-%D۹%۸۵%D۸%AA%D۸%AY%D۸%A۸%D۸%B۹%D۸%AF%DB%۸C-%D۸%A۸%DB%۸C%D۹%۸۶%D۹%۸۷%D۸%AY%DB%۸C%D۸%AA>

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: انکار امور بدیهی کار سختی نیست. همین طور که هم اکنون جنابعالی می توانید منکر نوری شوید که در این اطاق هست و بفرمایید برای بنده از نظر علمی ثابت نشده است که نوری در اطاق است. داستان طرفی را که در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شد و چشم خود را بست و شروع کرد به سحری خوردن و به گفته ی مولوی بالاخره طمع نگذاشت نور طلوع را که روشن بود ببیند. مولوی در این مورد می گوید:

روشنست این لیکن از حرص سحور ** آن خورنده چشم می بندد ز نور

موفق باشید